



RS

نقشه آمریکا برای لبنان

داستان دو فرستاده اخیر آمریکا به بیروت اخیراً آشکار شد. این داستان دوراهی‌ای را که لبنان اکنون در آن قرار دارد، خلاصه می‌کند. تام باراک، فرستاده ایالات متحده، برنزه و با کراوات صورتی، در اواسط ماه اوت به همراه مورگان اورنگاس، معاون فرستاده ویژه ریاست جمهوری در خاورمیانه، وارد بیروت شد. جلسات آنها با مقامات ارشد لبنانی، تأکید واشنگتن بر این بود که ثبات پایدار در لبنان به تحکیم اقتدار دولت و خلع سلاح حزب الله بستگی دارد. چند روز قبل، علی لاریجانی، رئیس شورای امنیت ملی ایران، با پیامی به همان اندازه صریح اما کاملاً متضاد، بیروت را ترک کرده بود: سلاح‌های حزب الله خط قرمز هستند و ابزارهایی ضروری برای «مقاومت» در برابر اسرائیل هستند. این دیدارها نشان‌دهنده قطب‌های مغناطیسی متضادی است که بیروت را از دو طرف به سمت خود می‌کشند. لبنان از تلاقی این دو قطب گنج شده است. درگیری ویرانگر با اسرائیل در سال گذشته، رهبری حزب الله را تضعیف کرد. این ضربه نظامی با یک قطع عضو استراتژیک همراه بود: فروپاشی سریع حکومت بشار اسد در سوریه، که پل زمینی حیاتی را که برای دهه‌ها سلاح‌ها و حمایت‌های ایران را به ارزشمندترین نیروی نیابتی منطقه‌ای اش ایران هدایت می‌کرد، قطع کرد. باراک، دوست ۴۰ ساله دونالد ترامپ و تاجر ایست که تجسم استراتژی ایالات متحده است و ذاتاً از دی‌ان‌ای خود ترامپی است. او حالا وارد این گرداب شده است. پیشنهاد آمریکا که باراک بی‌وقفه در جلسات ماراتن‌وار از اورشلیم تا بیروت مطرح کرده، از ایدئولوژی اجتناب کرده و انگیزه را محور قرار می‌دهد. این یک طرح «گام به گام» با توانایی دقیق است که برای باز کردن گره کور جنوب لبنان طراحی شده است. دولت لبنان، جوزف عون، باید اقدامات مشخصی را برای اجرای تصمیم تاریخی کابینه خود مبنی بر خلع سلاح حزب الله انجام دهد. با پیشرفت بیروت، انتظار واشنگتن این است اسرائیل نیز دست به اقدام بزند و با عقب‌نشینی مرحله‌ای از پنج پایگاه نظامی که هنوز در داخل لبنان اشغال کرده و کاهش حملات هوایی معمول خود در خاک لبنان، اقداماتی که با وجود آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۴ ادامه داشته است، آغاز کند. با این حال، مطابق با روحیه یک رئیس‌جمهور مدعی معامله‌گری، هسته اصلی این استراتژی، خرید حزب الله و جایگزینی آن با پول است. محور اصلی این طرح، «منطقه اقتصادی» پیشنهادی در جنوب لبنان است. با اذعان به اینکه قدرت حزب الله به همان اندازه که در تقواریشه دارد، در حمایت نیز ریشه دارد، این طرح قصد دارد بودجه ایران و اقتصاد سایه حزب الله را با افزایش سرمایه‌گذاری عربستان و قطر جایگزین کند، که به طور خاص برای ارائه معیشت جدید به دهه‌ها هزار جنگجوی حزب الله طراحی شده است. باراک این دیدگاه را صریحاً بیان کرد. او پرسید: «با آنها چه خواهید کرد؟ سلاح آنها را بگیرید و بگویید در کاشت درخت زیتون موفق باشید؟ خبر. این نمی‌تواند اتفاق بیفتد. ما باید به آنها کمک کنیم.» این طرح برای دستیابی همزمان به دو هدف طراحی شده است: از بین بردن زادخانه حزب الله در کوتاه‌مدت، و مهندسی مجدد دولت و از بین بردن ناراضیاتی اقتصادی در لبنان. این پیوند سیاسی-تجاری به‌ویژه در بُعد دوم و آرام‌تر مأموریت باراک مشهود است: تجارت مرزها و انرژی. تعیین مرزهای دریایی لبنان، ابتدا با اسرائیل و اکنون با سوریه، زمینه قانونی مورد نیاز برای کاهش ریسک مدیریتانه شرقی برای شرکت‌های بزرگ انرژی آمریکایی و اروپایی است. همانطور که کارشناسان انرژی خاطرنشان کرده‌اند، شرکت‌های بزرگ نفتی مانند شورون و اکسون موبیل در اکتشاف و استخراج در بلوک‌های مجاور منطقه جنگی سرمایه‌گذاری نخواهند کرد. «چراغ سبز» آمریکا برای سرمایه‌گذاری مشروط به یک محیط امنیتی پایدار و قابل پیش‌بینی است: محیطی که در آن یک بازیگر غیردولتی مانند حزب الله نتواند سلاح داشته باشد. بنابراین، تعیین مرز، خلع سلاح و سرمایه‌گذاری (در زمین و دریا) یک زنجیره ناگسستنی را تشکیل می‌دهند. برای اینکه دمشق بتواند صدور مجوز اکتشافات فراساحلی خود را آغاز کند، مرز باثبات با سوریه ضروری است. از نظر آمریکا برای اینکه لبنان بتواند سرمایه‌ای را که به شدت به آن نیاز دارد جذب کند، مرز باثبات با اسرائیل ضروری است. و برای اینکه هر دو پایدار باشند، باید توانایی نظامی مستقل حزب الله خنثی شود. با این حال، انتظار پذیرش یک تسلیم ساده از سوی حزب الله اساساً درک نادرستی از این سازمان است. برای نسل‌ها، حزب الله چیزی بیش از یک نیروی مقاومت بوده است، بلکه ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی برای شیعیان لبنان و ارائه‌دهنده روایتی قوی از عزت و مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل بوده است. پیشنهاد جدید به رهبری آمریکا، شغل و سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد، اما مستلزم تسلیم همان سلاح‌هایی است که بسیاری از اعضای جامعه لبنان معتقدند امنیت و اهمیت سیاسی‌شان را تضمین می‌کند. این مهندسی مجدد فراتر از اقتصاد، کل معماری امنیتی جنوب لبنان را در بر می‌گیرد.

روند شکننده صلح ترکیه با پ.ک.ک

چرا پیشرفت توافق صلح بین ترکیه و کردها به کندی پیش می‌رود؟



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

نکته
هم‌میهن

روند صلح ترکیه و کردها به دلیل خطرات ناشی از توقف در پیشرفت خلع سلاح کردهای مسلح، تهدید مداوم یک حمله تروریستی بزرگ از سوی کردها و عقب‌نشینی‌های احتمالی دولت ترکیه در مورد ارائه امتیازات به کردها، همچنان شکننده است، زیرا حزب حاکم ترکیه تلاش می‌کند محدودیت‌های سیاسی را با تلاش‌هایش برای فراهم کردن امکان نامزدی مجدد رجب طیب اردوغان، در یک دوره دیگر انتخابات ریاست جمهوری توازن ببخشد. در تاریخ ۵ آگوست، کمیته پارلمانی ترکیه که بر روند صلح ترکیه و کردها نظارت دارد، جلسه افتتاحیه خود را برگزار کرد. این کمیته، متشکل از ۵۱ عضو از تقریباً همه احزاب سیاسی در مجلس ملی ترکیه است که وظیفه نظارت بر روند خلع سلاح حزب کارگران کردستان (PKK) و ارائه اصلاحات قانونی و سیاسی برای پیشبرد روند صلح را بر عهده دارد.

عبدالله اوجلان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان، در تاریخ ۹ جولای، تنها چند روز قبل از اینکه ۳۰ جنگجوی این حزب داوطلبانه سلاح‌های خود را در یک مراسم نمادین در کردستان شمال عراق تحویل دهند، خواستار تشکیل این کمیته برای نظارت بر روند خلع سلاح و انحلال پ.ک.ک شد. اگرچه در جلسه مقدماتی، امتیازات خاصی در ازای خلع سلاح مشخص نشد، اما حزب برابری و دموکراسی خلق طرفدار کردها (DEM) که به همراه پ.ک.ک روند صلح را تسهیل کرده است، خواستار اقدامات متعددی از جمله آزادی چهره‌های برجسته‌گرد از زندان‌ها، اجرای اصلاحات برای تسهیل واجد شرایط بودن جهت آزادی زودهنگام زندانیان و اجازه بازگشت جنگجویان پ.ک.ک. که داوطلبانه خلع سلاح شده‌اند به ترکیه شده است.

در ۹ ژوئیه، عبدالله اوجلان، رهبر زندانی پ.ک.ک، خواستار تشکیل کمیته پارلمانی ترکیه برای نظارت بر خلع سلاح و انحلال این گروه کردی شد که به گفته او نشان‌دهنده «گذار داوطلبانه از مرحله درگیری مسلحانه به مرحله فعالیت سیاسی و دموکراتیک» است. چند روز بعد، در ۱۱ ژوئیه، ۳۰ جنگجوی پ.ک.ک داوطلبانه

سلاح‌های خود را در یک مراسم نمادین در کردستان در شمال عراق تحویل دادند. حزب DEM در چارچوب نظام سیاسی ترکیه برای پیشبرد منافع فعالیست می‌کند و فعالیت‌هایش با تلاش مسلحانه پ.ک.ک برای خودمختاری کردها در تضاد است. با وجود این تفاوت، حزب DEM بارها به عنوان میانجی بین دولت ترکیه و پ.ک.ک عمل کرده است؛ به‌طوری‌که قانونگذاران این حزب با اوجالان دیدار کرده و پیام‌های او را به آنکارا و رسانه‌ها منتقل کرده‌اند.

دولت ترکیه با مشارکت مجدد در روند صلح، امیدوار است حمایت حزب DEM را برای تغییرات قانون اساسی که به رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور، اجازه می‌دهد در سال ۲۰۲۸ دوباره انتخاب شود، به دست آورد، اما پیشرفت کند و اولویت‌های سیاسی متفاوت، این روند را پیچیده می‌کند. در واقع اردوغان امیدوار است که بتواند با امتیاز دادن به DEM در عوض رای مثبت نمایندگان این حزب را برای تغییر قانون اساسی و حذف محدودیت کاندیداتوری مجدد خود به دست آورد.

اردوغان به دنبال اصلاح قانون اساسی ترکیه است تا بتواند دوباره در سال ۲۰۲۸ نامزد شود، اما متحدان او در مجلس ملی فاقد اکثریت سه‌پنجم لازم برای انجام این کار هستند. این امر آنکارا را بر آن داشته است تا از حزب DEM حمایت کند. نمایندگان این حزب در پارلمان ترکیه می‌توانند آرای مثبت به نفع دولت را از آستانه عبور دهند. با این حال، حزب DEM حمایت خود را به شروع مجدد روند صلح با پ.ک.ک و اجرای اصلاحات فرهنگی و سیاسی طرفدار کردها، مانند آزادی فعالان گرد زندانی، مشروط کرده است. در همین حال، پ.ک.ک نیز با کاهش توانایی‌های جنگی‌اش در سال‌های اخیر، برای رسیدن به توافق با دولت ترکیه آمادگی بیشتری پیدا کرده است. اگرچه این گروه هنوز می‌تواند حملات پراکنده‌ای مانند حمله اکتبر ۲۰۲۴ به مقر صنایع هوافضای ترکیه انجام دهد، اما دیگر قادر به انجام یک کمپین پایدار برای پیشبرد اهداف خودمختاری کردها نیست. این محدودیت، همراه با اراده سیاسی رو به زوال اوجلان برای حفظ روند مبارزه مسلحانه، تلاش جدید پ.ک.ک برای ادغام کردها در نظام سیاسی ترکیه را تسهیل کرده است. اما روند صلح به کندی پیش می‌رود و تنش‌ها بین ائتلاف حاکم اردوغان و حزب DEM در حال ظهور است. در ماه مه، حزب حاکم عدالت و توسعه پیش‌نویس لایحه

اصلاحات زندان را ارائه کرد که انتقاد حزب DEM را به دنبال داشت.

این حزب معتقد بود این لایحه به اندازه کافی شرایط آزادی زودهنگام را برای بسیاری از سیاستمداران و فعالان کرد زندانی فراهم نمی‌کند. اما آنکارا تمایلی به برآورده کردن خواسته‌های حزب DEM در این مورد نداشته است. علت این عدم تمایل احتمالاً به دلیل نگرانی در مورد تأثیر بالقوه اصلاحات کیفری گسترده‌تر بر گولنیست‌ها است. حزب عدالت و توسعه گولنیست‌ها را به توطئه برای کودتا علیه دولت اردوغان در سال ۲۰۱۶ متهم کرده است. بنابراین، در حالی که حزب عدالت و توسعه و حزب DEM زمینه‌های مشترکی برای همکاری جهت پیشبرد اهداف سیاسی خود دارند، اما اختلافات اساسی بین آنها همچنان ادامه دارد.

ترکیه چندین بار تلاش کرده است تا به درگیری مسلحانه خود با شبه‌نظامیان کرد پایان دهد، که آخرین مورد آن از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ بود. هر چند که این روند صلح پس از حمله مرگبار پ.ک.ک در ترکیه و عملیات ارتش ترکیه علیه شبه‌نظامیان پ.ک.ک در شمال عراق، با شکست مواجه شد.

دو راه محتمل برای اجازه دادن به اردوغان برای نامزدی مجدد در انتخابات، درخواست انتخابات زودهنگام یا برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی است. در هر دو مورد، ائتلاف حاکم برای کسب ۳۶۰ رأی مورد نیاز در مجلس ملی به حمایت برخی از مخالفان نیاز دارد، زیرا این ائتلاف در حال حاضر تنها ۲۲۴ رأی را در اختیار دارد. حزب دموکرات دموکراتیک (DEM) با ۵۶ رأی خود، می‌تواند اکثریت سه‌پنجم لازم را فراهم کند.

اختلافات بین حزب دموکرات دموکراتیک و حزب عدالت و توسعه، همراه با پیشرفت متوقف شده در خلع سلاح پ.ک.ک، خطر لغو روند صلح را به همراه دارد، چراکه هنوز هیچ چارچوب رسمی برای صلح وجود ندارد. عدم وجود یک توافق رسمی و دقیق بین حزب عدالت و توسعه و پ.ک.ک برای روند خلع سلاح به این معنی است که هر دو طرف باید اقدامات اعتمادسازی را برای پیشبرد این روند انجام دهند. برخی منابع رسانه‌ای بین‌المللی گزارش داده‌اند که روند خلع سلاح پ.ک.ک تا سپتامبر ۲۰۲۵ ادامه خواهد داشت. با این حال، تکمیل این روند به احتمال زیاد زمان بسیار بیشتری طول خواهد کشید. دلیل این امر این است که بعید است پ.ک.ک تا

